

جشنواره فرهنگی و هنری ۳۱۳

ویژه میان پرده های نمایشی کوتاه و سرود

وارث

از معجزات و کرامات رسول گرامی اسلام (ص)

پرده اول

رسول خدا در حال نماز جماعت به همراهی باران و صحابه خود می باشند که سلام آخر را داده و مکبر می گوید

مکبر : ان و ملائکته و یصلون علی النبی....

رسول خدا برخاسته و بین نماز برای حاضرین سخن می گوید

رسول خدا: بسم ... الرحمن الرحیم و اما بعد ، شما مردم اموال و دارایی خود را بیشتر دوست دارید یا مال و اموال وارث خود را ...؟

مردم پیچ پیچ کرده و یکی از آنان می گوید

نماز گزار اول: ای رسول خدا مال و اموال خود را بیشتر دوست می داریم

همه حاضرین می گویند : آری اموال و دارایی خودمان را بیشتر دوست می داریم

رسول خدا: نه اینطور نیست شما مال و دارایی وارث خود را بیشتر دوست دارید و از آن نگهداری می کنید

نمازگزار دوم: آخر چگونه می شود که ما مال و دارایی وارث را بیشتر دوست نداریم ای رسول خدا

رسول خدا: خواهم گفت... آنچه در زندگی صرف خورد و خوراک می کنید به هدر می رود و آنچه صرف پوشاک می کنید بالاخره کهنه و مندرس می شود مابقی نیز برای وارث خواهد ماند و شما فقط نگهداری آن هستید نه بیشتر
نمازگزار اول: مولای من

اگر انفاق کنیم و در را خدا به فقرا و مساکین بدهیم چه؟

رسول خدا: آنگاه ذخیره آخرت شده و شما با احسان و نیکوکاری آن دنیا را برای خود آباد کرده اید. پس از مال خود ذخیره ای برای آخرت از پیش بفرستید. تا بکارتان آید. (در این هنگام در میان تعجب همگان)

ناگهان مرد اعرابی با کیسه ای که در آن سوسمار شکار کرده است بسیار مضطرب و عصبانی وارد می شود و خطاب به رسول خدا با عصبانیت می گوید (با جسارت و بی ادبی)

مرد اعرابی: آن چنان ساحر و دروغگویی بی نظیری هستی که همانند تو در میان

زمین و آسمان پیدا نمی شود – جا دارد با این شمشیر تو را بکشم تا اولین و آخرین را از شر تو راحت کنم

نمازگزار اول : چه می گویی ای نمک شناس زبان به دندان بگیر و ساکت باش
نمازگزار دوم: در حالیکه از جا بلند می شود می گوید: مادرت به عزایت بنشیند این اباطیل چه است که می گویی ... به طرف اعرابی حمله ور می شود

رسول خدا حاضرین را به آرامش دعوت کرده و می فرمایند: آرام باشید تا ببینم چه شده است ای بنی سلیم آیا رسم شما این است که با غلظت و درشتی سخن بگویید
مرد اعرابی : من دروغ نمی گویم و باکی هم از کسی ندارم

رسول خدا : سوگند به خدا هر کس در دنیا به من ضرری برساند او در آخرت در آتش خواهد بود- من در آسمانها معروف به احمد صادق هستم می دانی؟
تو ایمان بیاور و جزء برادران ما باش ...

مرد اعرابی در حالیکه بشدت عصبانی است کیسه سوسمار را باز کرده و سوسمار را بیرون می اندازد و می گوید

مرد اعرابی : من زمانی به تو ایمان می آورم که این سوسمار ایمان بیاورد
سوسمار به زمین افتاده و راه فرار پیش می گیرد

صحنه فرار سوسمار و بازی سوسمار از پشت پرده سفید که نور لامپی بر آن تابیده
نشان داده می شود سوسمار پلاستیکی باشد یا یک کودک یا نوجوان ریز اندام نقش
را بازی کند

رسول خدا خطاب به سوسمار می گویند: برگرد... و سوسمار بر می گردد و خیره
خیره به رسول خدا نگاه می کند

رسول خدا خطاب به سوسمار: بگو من کیستم؟

سوسمار: تو فرزند عبدا... و مادرت آمنه است و از قبیله قریش و خاندان بنی هاشم
هستی و عبدالمطلب جد بزرگوارت می باشد

همگان در حال تعجب این معجزه رسول خدا دست بر دهان دارند

سوسمار: خداوند همانطور که ابراهیم را به خلیلی برگزید تو را نیز به پیامبری مبعوث
کرده و حبیب خود نامید

مرد اعرابی در حالیکه می لرزد می گوید: به حقیقت خداوندی من ایمان آوردم ای
رسول خدا بگویند چگونه مسلمان شوم بگویند

مردم ذکر ا... اکبر گرفتند و مرد اعرابی می گوید (به تقلید از صدای کودکی که
اشهد می گوید تکرار می کند)

اشهد ان لا اله الا ... اشهد ان محمد رسول ...

به راستی من مسلمان شدم و اسلام آوردم خدا را شکر

راوی: سلمان از مردم خواست به این تازه مسلمان کمک کنند که علی ابن ابی طالب

(ع) اولین نفر و سعد نفر دوم بود که کمک کردند سعد یک نفر شتر هدیه کرد

سلمان به درب منزل حضرت زهرا (س) رفته و حضرت زهرا (س) نیز در حال

تنگدستی با سخاوتمندی کمک کردند در حالیکه فرزندانش گرسنه بودند. پیراهنی

نزد مغازه دار محله به امانت گذاشته و مواد غذایی گرفتند و به سلمان دادند